

بسم الله الرحمن الرحيم

کتابخانه داوطلب روستایی پلین بهار

” پلین بهار: در زبان بلوچی به معنای گل‌های بهاری میباشد ”

دهستان ابتر

شهرستان ایرانشهر

استان سیستان بلوچستان
آدرس پیج اینستاگرام کتابخانه:
Abther_ketabkhaneh



معرفی مسئول و کتابدار کتابخانه روستایی پلین بهار

خانم رحیمه پرویزپور هستم از روستای ابتر از توابع شهرستان ایرانشهر از استان سیستان و بلوچستان، میزان تحصیلات من کارشناسی نرم افزار کامپیوتر هستم. حدود شش سالگی میشود در کارهای فرهنگی شهرستان بصورت داوطلب شرکت داشتم.

***معرفی روستا و کتابخانه:**

روستای ابتر در بیست کیلومتری شهرستان ایرانشهر از استان سیستان و بلوچستان میباشد. حدود یک سال میشود یعنی در تاریخ یکم مهرنود و شش که کتابخانه ای روستایی در روستای زادگاه هم ابتر در خانه ی قدیمی مرحوم مادربزرگم که بافتی سنتی و قدیمی داشت برپا کردم. قصه این خانه قدیمی و کتابخانه از آنجا شروع شد که من خودم از کودکی به کتاب علاقه خاصی داشتم و تا نوجوان

ی و جوانی همیشه کتابخانه ام پر باراز کتاب بود و در نهایت دوست داشتم همه رو از خواندن کتابهایم بهره مند کنم. بخصوص مردم روستا مخصوصا قشر کودک و نوجوان که همیشه در صحنه کارهای فرهنگی خوش میدرخشند. برای همین من در ابتدا قبل بازگشایی مدارس با یک سبد که حدود بیست عدد کتاب که از رده های سنی مختلف در آن بود به خانه های فامیل میرفتم و به علاقه مندان کتاب امانت میدادم که با استقبال بزرگی روبه رو شد برای همین قضیه را بطور جدی تر دنبال کردم و با شور و دهیاری مشورت کردم که آیا مامیتوانیم مکانی بعنوان یک کتابخانه روستایی داشته باشیم که اعلام کردند متأسفانه فعلا فضایی نداریم ولی اگر شخصی مثل شما داوطلب بشود و بتواند کمک کند ما از زاشون حمایت میکنیم و در نهایت بنده بعد کلی فکر به این نتیجه رسیدم خانه قدیمی مادر بزرگم که بعد وفات ایشان بلا استفاده مانده است مکان مناسبی برای این امر میباشد. من بعد آن بطور جدی به کمک همسرم به بازسازی و تمیز کردن مکان پرداختیم و حدود هشتاد کتاب از کتابخانه شخصی خودم و حدود صد عدد کتاب که از دوست عزیزم که فعال حوزه کودک بود دریافت کردم و چون قفسه ای نداشتیم در اول راه از طاقچه های خانه مادر بزرگ بعنوان قفسه استفاده کردم و روی دیوارها بانچه های بافتنی ریسه هایی وصل کردم و کتابهایی که ابعاد کوچکتر داشت و مخصوص کودکان بود را روی آن آویزان کردم تا جلوه ی قشنگتری برای کودکان داشته باشد. خوشبختانه در همان اول کار با بازگشایی مدارس کتابخانه کوچک ما با استقبال بینظیری مواجه شد. کم کم بنده توسط دوستان فعال حوزه فرهنگ ی به خیرین معرفی شدم که دغدغه کتاب و کتابخوانی در مناطق محروم را داشتند و بعضی از کتابخانه های عمومی زیر نظر نهاد هم به نحوه خود به من تعدادی کتاب هدیه دادند تا جایی که به کمک آن خیرین و دوستان حدود پانصد کتاب کودک و نوجوان و چهارصد کتاب بزرگسال در کتابخانه موجود است. برای قفسه هم جمعی از خیرین روستا کمک کردند تا دوتا قفسه و هشت صندلی دیک میز تهیه کنیم و در اولین بهار کتابخانه که هوا رو به گرمی میرفت با کمک مردم دلسوز روستا یک کولر آبی تهیه کردیم و خداوند سپاسگذاریم از این بابت.

***شرح فعالیتها:**

از سری فعالیتهای کتابخانه ی ما را میتوان مواردی به شرح ذیل نام برد:
۱- برگزاری مسابقات کتابخوانی هر دو ماه یکبار و اهدا جوایز به نفرات برتر که بیشترین تعداد کتاب را مطالعه کرده اند (هدایا از طرف خیرین میباشد).



۲- برگزاری کلاسهای هنری بصورت هفتگی در روزهای یکشنبه و پنجشنبه توسط افراد علاقه مند به تدریس هنر شامل (کلاس کار دستی خلاق، هنر تا کردن کاغذیاهمان اورینگامی، ساخت عروسکهای بوم ی، کلاژ، سوزن دوزی بلوچی، قاب سازی باوسایل دورریختنی وغیره) برگزار میشود.



۳- برگزاری کلاسهای مهارتهای زندگی از روی کتابهای مفید از نویسندگان داخلی و خارجی اعم از آموزش (اخلاق صحیح، خلاقیت، ارتباط در جمع، نحوه بیان، آموزش امنیت در اجتماع، دوستی و صلح)



۴- روخوانی قرآن قبل از شروع فعالیت کتابخانه بصورت برنامه صبحگاهی، توسط مربی و خود بچه ها که نوبتی میخوانند. و توضیح دادن یک حدیث و فضیلت خوب در هرروز



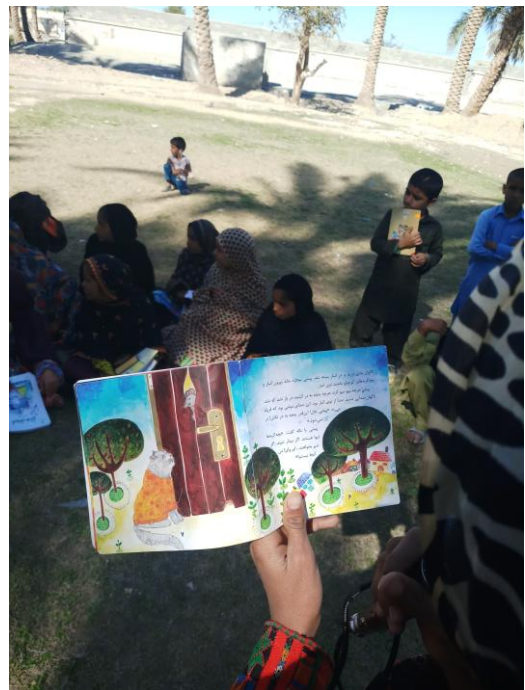
۵- برگزاری کلاس آموزش زبان انگلیسی بصورت غیرمستقیم با نقاشی و روزنامه دیواری در طول تابستان که همچنان ادامه دارد.



۶- قصه گویی و شعرخوانی توسط مربی که خود از اهالی روستا و علاقه مند به هنر قصه گویی میباشد.



۷- قصه گویی و شعرگویی توسط اعضا کتابخانه که بیشتر از رده سنی کود و نوجوان میباشد.



۸- بلندخوانی کتاب و خلاصه نویسی کتاب بصورت روزنامه دیواری و کتابچه



۹-انجام بازی های بومی محلی و ورزشهای بومی محلی





۱۰- ایجاد گروه محافظت از محیط زیست که هرچند وقت یکبار به پاکسازی محله ها و فضای سبز رو ستا کمک میکنند و از مواد بازیافتی استفاده مجدد مینمایند.



۱۱- آموزش مسایل بهداشتی و استفاده صحیح از وسایل شخصی که هر ماه از روی جزوه ها توسط کتابدار و مربی آموزش داده میشود.



۱۲- ایجاد گروه نمایش خلاق که توسط اعضا فعال کتابخانه تشکیل شده که هم داستان وهم نمایشند
امه ها توسط خود گروه نوشته و مدیریت وبازی میشود.



۱۳- برگزاری افتخاری کلاسهای تکنیک نمایش که هزار چندگانه‌ای توسط جمعی از هنرمندان علاقه مند به این حوزه که در آن فعالیت دارند یخسوس جناب ابراهیم ساویز از بازیگران مطرح استانی که خود از اهالی این روستا هستند.



۱۴- برگزاری کارگاه آشپزی با کودک که جز برنامه های تابستانی هست و تاکنون با کتاب آشپزی با کودک از نشر آسمان در طول تابستان چهار دوره توسط گروه کودک و نوجوان و چند تن از بزرگسالان برگزار شد.





۱۵- ایجاد ایستگاه مطالعه در مدرسه ابتدایی روستا برای دانش

آموزانی که در مناطق دور با فاصله زیاد هستند و توان آمدن به محل کتابخانه را ندارند تا در خود مدرس
ه مطالعه کنند.



۱۶- ایجاد سبد سیارماهانه برای برخی از خانواده ها که بخاطر فواصل طولانی تامل کتابخانه نمیتوانند مرتب به کتابخانه حضور پیدا کنند با همکاری مجری طرح کتابخانه سیار خانوادگی آدم پیرا



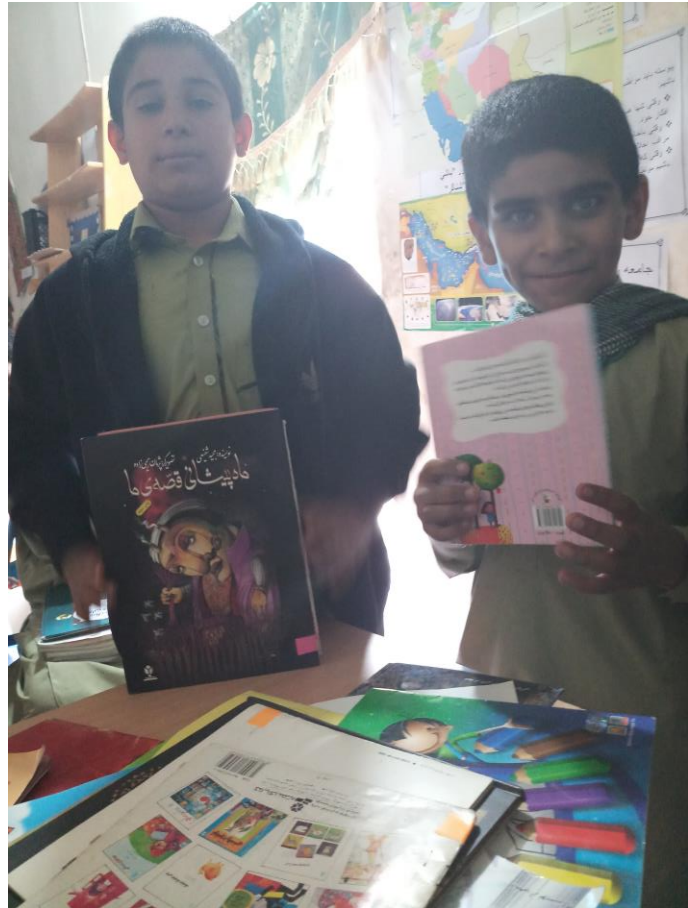
۱۷- برگزاری مسابقات نقاشی درشش دوره در طول سال باموضوعات مختلف بخصوص بومی محلی و انتخاب نقاشی های برتر و چاپ آنها درمجله کیهان درچند دوره متوالی



۱۸- حمایت از نویسندگان وشاعران جوان روستا ومعرفی آنها به انجمن های شعر شهرستان وحضور آنها بصورت هفتگی در کانون ادبی وانجمن شعر..



۱۷- حمایت از هنرمندان خطاط وخوشنویس ونقاش روستا ومعرفی آنها به شهرستان

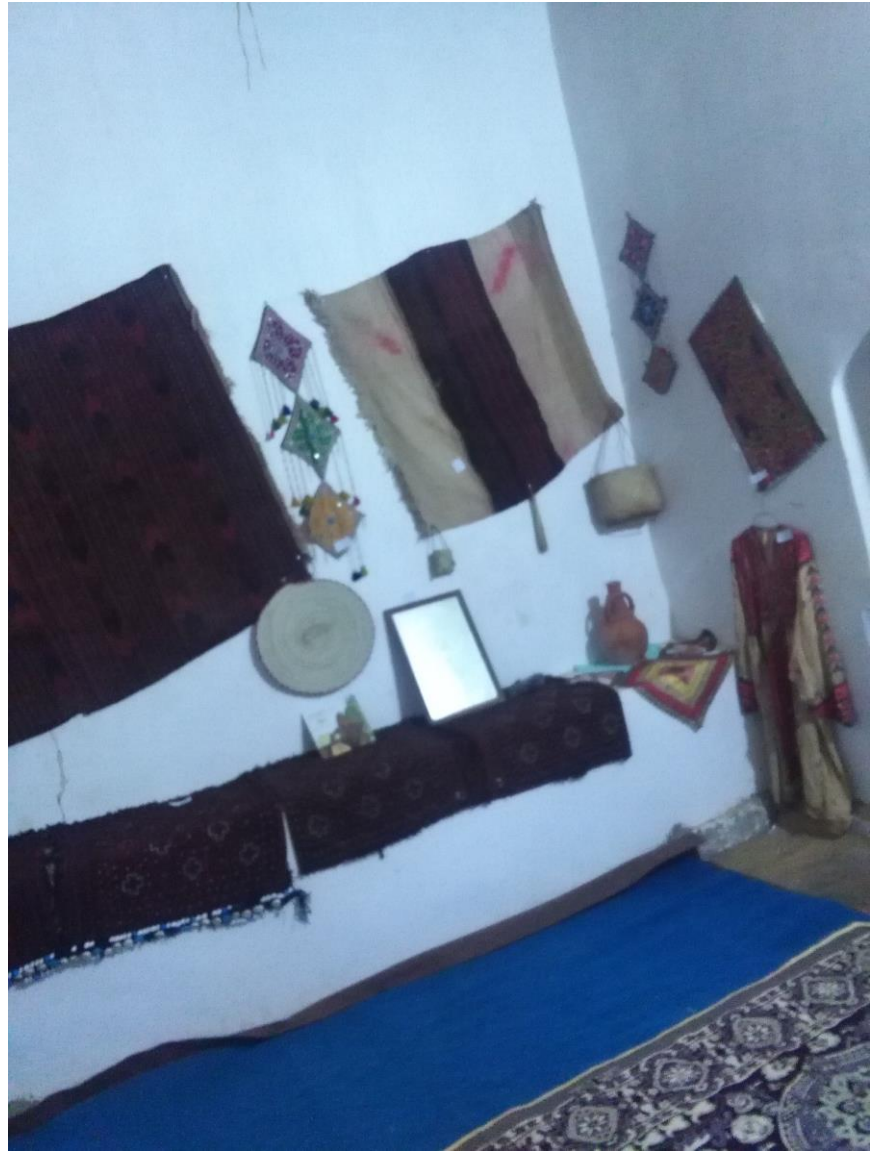


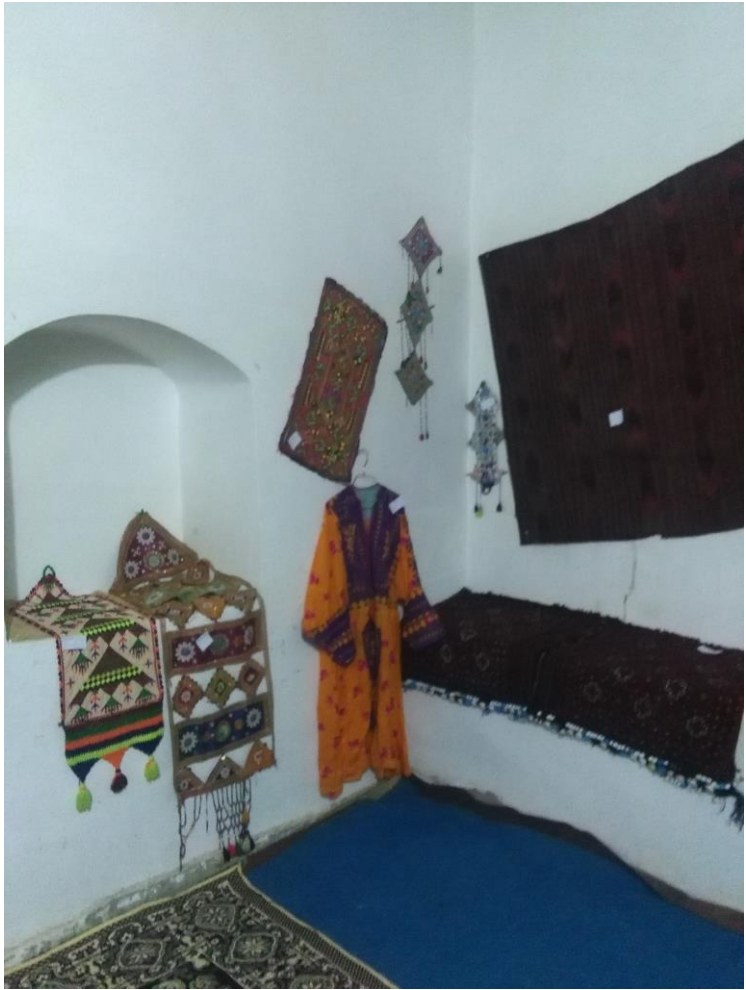
۱۸- برگزاری اردوهای گردشگری روستایی در دو دوره در تابستان جهت معرفی آثارباستانی روستا وفضاها ومنابع طبیعی آن به همراه گردشگران خارج از روستا واعضای کتابخانه که به خودباوری رو

ستایبان بخصوص اعضا فعال کتابخانه از مکانی که در آن زندگی میکنند کمک بزرگی از لحاظ معنوی میکند و چه بسا باعث معرفی هنر و فرهنگ روستا میشود.



۱۹- ایجاد موزه سنتی متشکل از اشیای قدیمی مادر بزرگان و پدر بزرگان روستا که در قسمتی از کتابخانه بصورت موزه‌های چیده شدند و با هدف معرفی فرهنگ قدیمی روستا به مراجعین کنندگان میباشد که ه طرف میراث فرهنگی بعنوان موزه سنتی روستایی در حال ثبت میباشد.









۲۰- احیای بافت سنتی که محل کتابخانه هست که معرف فرهنگ اصیل روستا و منطقه می باشد که
ه همین باعث جذب و حضور میهمانان استانی و غیراستانی به این محل شده است.





۲۱- ایجاد کتابخانه سیار به دوروستای کوچک (روستای ناصرآباد و روستای ابتر) با فاصله یک کیلومتر
ی از محل کتابخانه پلین بهار روستای ابتر که در دوره گروه کودک و نوجوان کتاب و مجلات کودک
دریافت کردند دمنظر سری سوم هستند



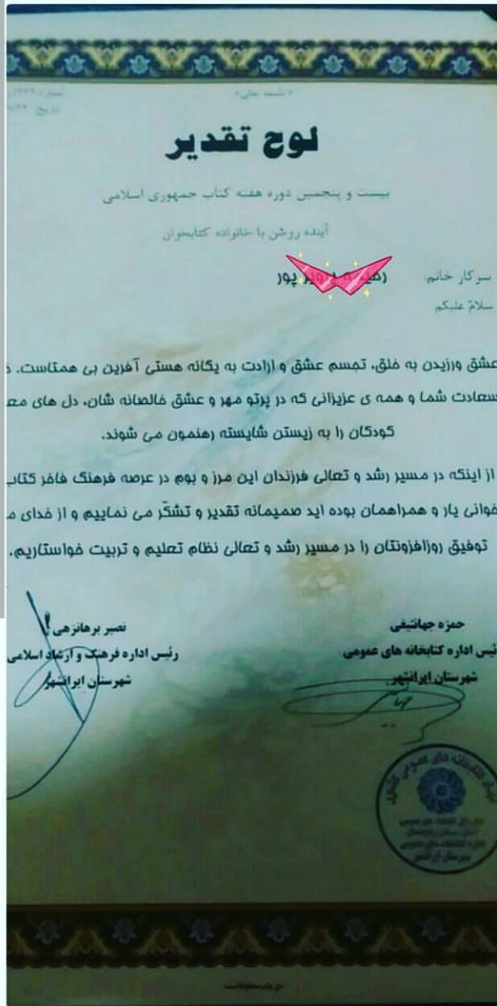
abther_keta
bkaneh
۲۲.... ارائه گزارشات بطور مرتب براساس زمان در صفحه پیج اینستگرام بادرس

✳ کسب افتخارات کتابخانه روستایی پلین بهاررد طول یکسال احداث آن:

۱- دریافت لوح تقدیر روستای دوستدار کتاب از طرف نهاد کتابخانه عمومی شهرستان ایرانشهر در روز
کتاب سال نودوشش

عکس →

abther_ketabkhaneh



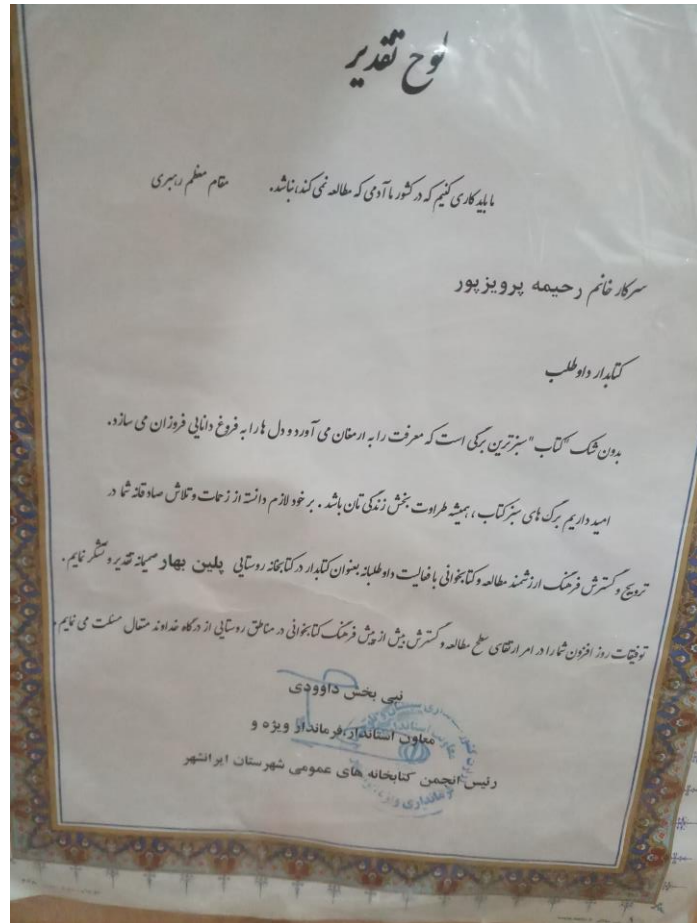
افرادی که پسندیدند **alisepaheyan**، **afsoon6988** و **۲۴ نفر دیگر**
abther_ketabkhaneh اولین رونمایی کتابخانه روستایی ما امروز در مراسم هفته کتاب و کتابخوانی روستای ابتر... خوشحالیم که امروز مورد توجه قرار گرفتیم و بعنوان روستای دوست دار کتاب لوح تقدیر دریافت کردیم... وقتی دارم از فعل جمع استفاده میکنم منظورم من و بچه های گل کتابخانه هست که



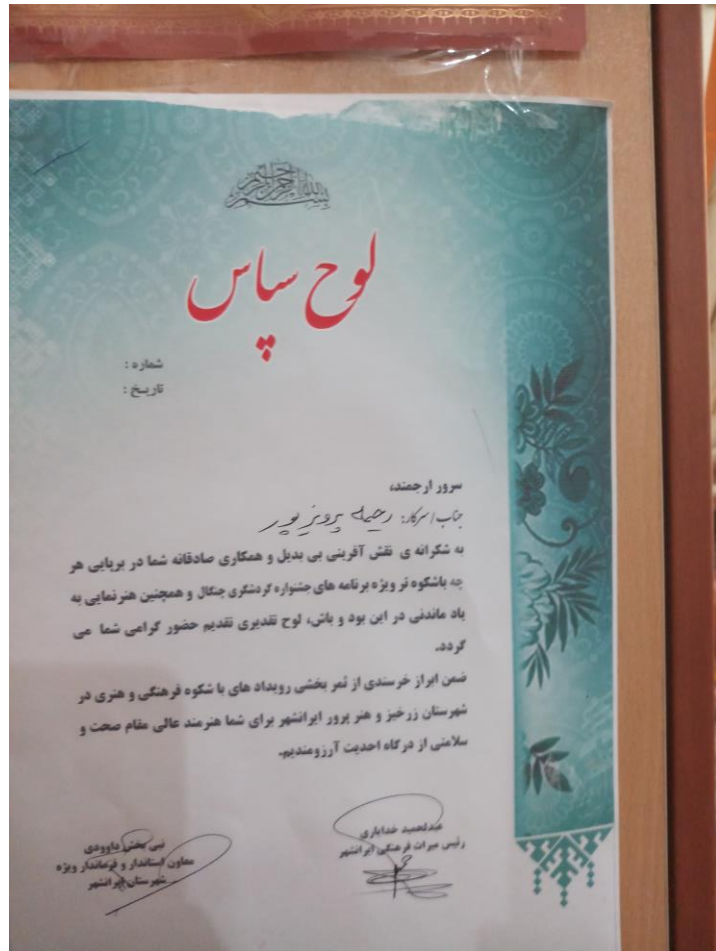
۲- دریافت لوح تقدیر دوستدار کودک در همایش دوستدار کودک شهرستان بزم در استان کرمان در به من نود و شش که از طرف موسسه پژوهشی کودکان دنیا تهران دکتر ناصر یوسفی از کتابدار ما دعوت به عمل آمد.



۳- دریافت لوح تقدیر بعنوان کتابخانه فعال و کتابدار داوطلب ب از طرف نهاد کتابخانه های عمومی در گردهمایی کتابخانه های داوطلب و خودجوش شهرستان ابرانشهر



۴- دریافت لوح قدیر از طرف میراث فرهنگی شهرستان ابرانشهر در جشنواره سنتی چنگال برای طرح موزه کتابخانه و همکاری در جشنواره



۵- دعوت کتابدار کتابخانه به شبکه تلویزیونی استانی و برنامه "مهرنگین" بعنوان فعال حوزه ترویج کتاب و کتابخوانی و معرفی کتابخانه به کل استان.



۶- چاپ گزارش کامل از کتابخانه و فعالیتهای وانگیزه های کتابدار در روزنامه استانی توسط جناب تمندانی گزارشگر معروف استان

برای ویرایش و ذخیره تغییرات در این پرونده وارد سیس... ▼



توقع بیجای است. اغلب دانشجویان شهرستانی دور از خانواده هستند و کسی نیست که از آنها مراقبت کند.

دانشگاه شهید بهشتی با حدود ۵ هزار دانشجوی در حدود ۵۰ رشته دانشگاهی یکی از بزرگترین دانشگاه‌های کشور است و نیمی از این دانشجویان از شهرها و روستاهای غیر از تهران در آن تحصیل می‌کنند. با این حال مسئولان این دانشگاه معتقدند، دانشجویان این دانشگاه چندان سابقه خودکشی ندارند. این در حالی است سال گذشته نیز یکی از دانشجویان دکتری دانشگاه شهید بهشتی جلوی دفتر آموزش دانشگاه سیس از اعتراض‌های بسیار، با خوردن سیاه‌رود خودکشی کرد.

در کنار این دانشگاه، سایر دانشگاه‌های کشور هم چندان با خودکشی دانشجویان بیگانه نیستند. مجتبی صدیقی، رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با بیان اینکه آمار خودکشی دانشجویی در سال گذشته تحصیلی کمتر از ۱۰ مورد بوده، گفت: اس‌تی‌سی یک مورد خودکشی نیز برای وزارتخانه قابل قبول نیست و مضمم به صفر رساندن این آمار هستیم.

گرچه عده‌ای رقم خودکشی در دانشگاه‌های کشور را بیش از این می‌دانند و معتقدند، اقدام به خودکشی رقمی چند برابر است. اما حتی مسئولان دانشگاه‌ها نیز به شیوع افسردگی در دانشگاه‌های کشور و بین دانشجویان اذعان دارند. م‌س دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی گفت: «وضعیت معیشت دانشجویی اعم از خوابگاه، تغذیه و سایر موارد در شیوع افسردگی در دانشگاه‌ها تأثیر نیست. ۶۰ درصد از دانشجویان غیربومی در خوابگاه‌ها قرار دارند که ظرفیت یک و نیم برابر استاندارد است و همین موضوع احساس زندگی راحت را در این فضاها از دانشجویان سلب می‌کند.»

به گفته او، این در حالی است که مرکز مشاوره دانشگاه‌ها یکی از مراکز اصلی است که برای سامان دادن به وضعیت دانشجویان بودجه کلان دریافت می‌کند. اما هیچ خروجی روشنی از این مشاوره‌ها مشاهده نمی‌شود. سارا، دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی که بیان بی‌فایده بودن مرکز مشاوره دانشگاه‌ها و اینکه هیچ کمکی به رفع مشکل دانشجویان نمی‌کند، می‌گوید: من سال گذشته به دلیل بیماری سرطان مادر و مرگ و غم‌زدگی خودم از خانواده دچار افسردگی شدم و حتی که مانده بود خودکشی کنم، اما اینکه خودکشی نکردم به دلیل مشاوره مرکز مشاوره دانشگاه نبود. یک جلسه به مشاوره مراجعه کردم و وضعیت وخیم را شرح دادم. اس‌دی‌بی‌سی یک پیگیری ساده که بخواد از سرش من مطلع شوند. واقعیت این است که این مراکز مشاوره تا کارآمد هستند.»

ق. دانشجوی دیگری که می‌گوید در مقطع لیسانس در دانشگاه تهران بوده است، می‌گوید: «این تنها مشکل دانشگاه شهید بهشتی نیست و در دانشگاه‌های دیگر هم شاهد هستیم که دانشجویان به دانشگاه و خوابگاه احساس تعلق نمی‌کنند و آن را مال خود نمی‌دانند و بیشتر خود را مستاجر دانشگاه و خوابگاه می‌دانند. به اعتقاد این دانشجوی کارشناسی ارشد شکل برخورد سیستم اداری آموزش و خوابگاه‌ها با دانشجویان معمولاً به گونه‌ای نیست که چندان خوشایند باشد و گاهی حتی توهین‌آمیز است. این آزاردهندگی

سعدیه علیپور

یک روز پس از حادثه (دوشنبه) دانشگاه سلوغ تراز روزهای دیگر است. پلاکارد تسلیت ورودی ساختمان دانشگاه رزمین کرده و سید کوچکی از گل، همراه با حلقه و خرم‌خار در راهروی گنجانسته شده و آیه‌های که از جلسه رئیس مرکز مشاوره دانشگاه با دانشجویان خبر می‌دهد، دانشجویان دانشگاه‌های دیگر هم به دانشگاه حقوق آمدند تا توضیح رئیس مرکز مشاوره دانشگاه شهید بهشتی را در مورد دلایل مرگ هم‌کلاسی‌شان بشوند.

گمانه‌زنی‌های متعدد در خصوص خودکشی دانشجوی ۲۰ ساله حقوق که اهل یکی از روستاهای باسبل بود و سال دوم دوران دانشجویی‌اش را در دانشگاه شهید بهشتی می‌گذراند، گفته شده بود، محمد در نامه کوتاهی که در جیبش پیدا شده «خ» که خودکشی‌اش دلایل کاملاً شخصی داشته و ربطی به شخص خاصی ندارد.

اما این توضیحات دانشجویان سسر در گم و البته بعضاً عصبانی را آرام نکرده بود و با وجود اینکه گزارش پزشکی قانونی هنوز اعلام نشده بود، رئیس مرکز مشاوره اب پائی را روی دست دانشجویان می‌برد و از افسردگی شدید دانشجویان جابجاشته خبر می‌دهد و می‌گوید: «هر می‌های ضد افسردگی مصرف می‌کرده و در مدت اخیر به صورت خودخواسته‌ای قرص‌ها را کنار گذاشته و همین عمل منجر به خودکشی این جوان ۲۰ ساله شده است.»

جوانی که در سال دومی که خوابگاه‌اش را ترک کرده، هنوز دوست صمیمی نداشته و هیچ کلام از هم‌کلاسی‌هایش از انگیزه اصلی‌اش برای این خودکشی مطمئن نیست.

در حالی که گروهی متأزده در حیاط دانشگاه حقوق نشسته‌اند، در سالن اجتماعات کوچک دانشگاه، دانشجویان بعضاً عصبانی از بی‌توجهی دانشگاه به دانشجویان سخن می‌گویند و معتقدند، محمد تنها فرد افسرده این دانشگاه نیست و به راحتی می‌توان خودکشی‌های دیگری را هم در دانشگاه پیش‌بینی کرد.

رئیس مرکز مشاوره اما از تشکیل پرونده سلامت روان دانشجویان در مراکز مشاوره دانشگاه خبر می‌دهد و می‌گوید: «دانشجویان‌های ریسک تحت درمان قرار دارند. این دانشجویان نیز در مرکز مشاوره دانشگاه شهید بهشتی پرونده داشته‌اند. در این میان خیلی از دانشجویان افسرده به کمک مراکز مشاوره ما نظر نداشتند. اما یک مورد خودکشی همه این فعالیت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.» یکی از دانشجویان حاضر در جلسه می‌گوید: «اینکه از یک بیمار مبتلا به افسردگی شدید توقع داشته باشیم که قرص‌هایش را کنار نگذارد،

دانشجوی دیگری که در کنارش ایستاد می‌گوید: فضای دانشگاه ما خشک است و برای یک دانشجویی که در کنار خانواده‌اش نیستند این فضا پاس‌آور است و اگر زمینه بیماری هم فردی وجود داشته باشد، ممکن است آن اتفاق که نباید رخ دهد.

محمد ۲۰ ساله دانشجوی نخبه حقوق، یکی از بزرگ‌دگان المپیاد ادبی کشور در سال گذشت هم بود و حال پس از یک سال تجربه حضور در دانشگاه.

بلافاصله پس از وقوع حادثه، پزشک حاضر در رانگاه دانشگاه به همراه آمبولانس و پرسنل در صحنه حاضر شدند و چون هنوز مصدوم بار، علائم حیاتی بود، سر به‌جا آمبولانس به بیمارستان آیت‌الله طالقانی انتقال یافت. تلاش پزشکان آیت‌الله طالقانی برای احیای مصدوم در نهایت مصدوم در بیمارستان آیت‌الله طالقانی فوت کرد. دانشگاه شهید بهشتی از این حادثه داغدارش آظف تأسف و تألم می‌کند و به خانواده این دانشجو جامعه دانشگاهیان شهید بهشتی، صمیماً تسلیت می‌گوید.

یکی دیگر از هم‌کلاسی‌های محمد خیر می‌دهد که سه‌شنبه محمد را به روستای‌شان در بندی شرقی می‌برند تا در آرامگاه همانجا دفن کنند. او می‌گوید: وضعیت مالی خانواده‌اش بد نبود و خودش هم از دانشجویان نخبه‌ای بود که در المپیاد ادبی سال ۵ معدل طلای کنسوری را گرفت.

او ادامه می‌دهد: بچه‌ها دیده‌اند که چند بار مسیر پشت‌بام را رفته ولی کسی جسد نمی‌زد برای خودکشی است. حتی صبح برنامه حضور غیاب استاد را پرسیدند و مثل همیشه رفتار کرد. اما بعد معلوم شد رفت و آمدهای طبقه پنجم ساختمان، برای پیدا کردن کلید پشت‌بام بوده است.

دانشجوی دیگری که از المپیاد ادبی دوره دبیرستان محمد را می‌شناسد، خود را مقصر می‌داند این حادثه دانسته و می‌گوید: می‌دانستم افسرده است. حتی چند بار سعی کردم به جمع کانون‌های دانشگاه بکشم تا سرش از افکار منفی خالی شود. اما آنچه عمیق باهوشی بود و نمی‌شد مجابش کنیم البته الان غصه می‌خورم که تلاش بیشتر تلاش می‌کردم.

رفتاری برای گروه‌های حساس بیشتر به چشم می‌خورد و وضعیت دانشجویی را که دچار افسردگی است، بدتر می‌کند.

رئیس مرکز مشاوره در پاسخ به این دانشجویان برای کارگاه‌ها از تباطؤ دانشگاه‌ها برای کنارمان دانشگاه سخن گفت که البته این پاسخ چندان دانشجویان را قانع نکرد، چرا که اغلب آنها معتقد بودند که نوع برخورد کادر مدیریت و اداری دانشگاه حتی در حادثه اخیر هم چندان مطلوب نبوده است. به طوری که پس از این حادثه مدیریت نمی‌داشت تا هر چه سریعتر دانشجویان وحشرده و به‌تازده را برانگیزد.

یکی از هم‌کلاسی‌های محمد که در حیاط نشسته و دلش نمی‌خواهد این گفت‌وگو شود مسئولان دانشگاه با دانشجویان می‌گوید: «محمد، پرس عمیقی بود. اهل کتاب خواندن و باسوادترین ورودی ۹۵ شاید. اما تنها نبود. خیلی ماه به‌معنای دوستانتش تلاشمان را نکردیم که مشکلت را حل کنیم تا او به این مرحله نرسد.»



پلین بهار کتابخانه‌های برای کودکان «بتر»

جامعه فردا، نام روستا «بتر» است. اما چند سالی است که تلاش‌های گسترده‌ای برای این نماندن آموزش و پرورش کودکان در آن آغاز شده است. در آخرین اقدام، یکی از جوانان این روستای شهرستان ابرشهر، دست به کار ساخت کتابخانه‌های ویژه کودکان شده است. رحیمه پرویز پور، همسایه کامیونتر است. اما منزل شخصی مادر بزرگ خود را تجهیز و پیل به کتابخانه و موزه‌ای روستایی کرده و نام «پلین بهار» بر آن گذاشته است. «پل» در زبان بلوچی به معنی گل است و این کتابخانه به توفیق پاره‌گانه‌های باشد برای آنچه‌های روستا که چون گل نیازمند شکوفاندن استعدادهاشان هستند. کودکان عضو این کتابخانه می‌توانند در محیط باز و سرسبز کتابخانه ورزش کنند. گروهی کتاب بخوانند و نیازمندی‌های مطالعاتی خود را از مخزن این کتابخانه تأمین کنند. خبرین هم می‌توانند با ابراز خاتم پرویز پور، آقای ابراهیم پرویز پور که از قهرمانان ورزشی ابرشهر و ایران است با شماره تلفن ۰۴۵۹۲۰۰۴۳۸۹۰ تماس بگیرند و اگر می‌خواهند کتاب‌هایی به این کتابخانه بفرستند، هماهنگی‌های لازم را انجام دهند.

۷- چاپ گزارش کامل از کتابخانه و فعالیتهای وانگیزه های کتابدار در ماهنامه کشوری زنان اموزتوسه
ط خبرنگار این مجله

۱۸:۲۸ ۳۹% 4G

عکس →

abther_ketabkhaneh



گفت‌وگو با رحیمه پرویزپور، مؤسس کتابخانه روستای ابتر

آن زن باسبد کتاب آمد

نیلوفر رضابنده‌لو

«فقط چند ساعت باقی مانده بود تا پایان مهلت قانونی ثبت نام. بخش‌داری شلوغ بود. دل توی دلم نبود. دست‌هایم از هیجان و اضطراب می‌لرزید و قلبم تند می‌کوبید. شناسنامه و فتوحکی مدارک تحصیلی‌ام زیر چادرم بود، اما با این حال فکر می‌کردم همه آدم‌های توی راهرو دلیل آمدنم رایبه آنجا فهمیده‌اند و دارند با سرزنش و تعجب نگاهم می‌کنند.»

دختر کوچکی با لباس زیبای بلوچی می‌آید و در گوش رحیمه چیزی می‌گوید. سه دختر حدوداً هشت‌ساله گوشه‌ای از اتاق کاهگلی که حالا به همت رحیمه تنها کتابخانه روستا شده است روی زمین نشسته‌اند و نقاشی می‌کنند. با گذشت نزدیک به یک سال از ثبت‌نام شورا، هنوز هم موقع تعریف کردن ماجرا صدایش از شوق و هیجان می‌لرزد. می‌خندد و دست‌هایش را نشانم می‌دهد که عرق کرده‌اند.

«تصمیمم را گرفته بودم و می‌دانستم هر طور شده می‌خواهم در انتخابات شرکت کنم. روستایمان را دوست داشتم. می‌دانستم هر طور شده

رحیمه پرویزپور بیست‌وهشت‌ساله و متولد روستای ابتر از توابع شهرستان ایرانشهر بلوچستان است. ابتر حدود سه‌هزار نفر جمعیت دارد که بلوچ و اهل تسنن هستند. رحیمه مهندسی کامپیوتر خوانده و گویا از قدیم الفتی دیرینه با کتاب داشته است. می‌گوید وقتی کتاب می‌خواند آرام می‌شود، افق ذهنش گشوده می‌شود و پرندۀ خیالش پروبال می‌گیرد. شاید لایه‌لای سطور همین کتاب‌ها بود که اولین بار خواب‌هایی دور و دراز و شیرین برای روستا و مردمانش دید و جسارتی در خودش کشف کرد که انتظارش را نداشت. رحیمه سال ۹۶ به‌عنوان اولین

۳۳ پسند

niloofar_rezabandehloo دو هفته پیش که قصه‌ی زندگی رحیمه رو برای

۸- چاپ نقاشی های برتر اعضای کتابخانه روستایی پلین بهار در چند دوره در مجله کودونوجوان کیهان بچه ها

-۸

*نتیجه نویسی:

کلیه فعالیت هایی که در این گزارش نوشته شده هست حقیقت آنچه از تلاش و زحمات کتابدار و بخصوص اعضای فعال کتابخانه روستایی پلین بهار روستای ابتر میباشد که در طول یکسال با کمترین و حداقل ترین امکانات به کمک اعضای خوش ذوق و فعال و دوستدار کتاب و هنر و فرهنگ این کتابخانه رغ م خورد که نگاه همگان را به این امر جلب کند تا جایی که بعد آن در فاصله زمانی کمی کتابخانه روستایی مکران از روستای کلیران با کمک کتابخانه روستایی پلیم بهار ما احداث شد تا بچه های روستای کلیران هم از امر کتابخوانی بهره مند شوند و دو کتابخانه محلی در شهرستان ایرانشهر هم با حمایت دوستداران کتاب احداث شوند... یادمان باشد با حداقل امکانات ما کتاب خوان شدیم و کتابخوانی را محدود به مکان و امکانات پیشرفته که جکع کردنها شاید سالها طول بکشد نکردیم و این خود یک خلاقیت و نوآوری هست و خداوند را شاکریم و امیدواریم روز در روز برکت کتابخوانی در روستاها و شهرهای ایران زمین بخصوص استان سیستان و بلوچستان بیشتر شود و ان شاء الله ب رشد و شکوفایی همه کتابخانه ها چه داوطلب چه غیره از طرف مسولین توجه بیشتر بشود!

باتشکربانو رحیمه پرویز پور کتابدار و مسئول کتابخانه روستایی پلین بهار روستای ابتر شهرستان ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان.

abther_ketabkaneh آدرس پیج اینستاگرام کتابخانه: